

دموکراتیک، سوسیالیستی و اجتماعی مردم ایران

ضرورت تداوم اعتراضات سراسری برای تحقق مطالبات کارکنان شرکتی مخابرات

تفسیر فیل

کارکنان شرکتی مخابرات مشهد در طول هفته‌های گذشته در مقابل ساختمان این سازمان دست به اعتصاب زدند. خواسته‌های اصلی آنان اجرا شدن طرح طبقه بندی مشاغل، عقد قرارداد مستقیم و تأمین امنیت شغلی خود بود. بعد از شروع اعتصاب کارکنان مشهد، کارکنان شرکتی مخابرات دیگر شهرها و استان‌ها همچون گچساران، نهاوند، خرم آباد، الیگودرز، بروجرد، پلدختر، مشهد، همدان، یاسوج، شیراز به این اعتصاب سراسری پیوستند. این نخستین بار نیست که کارکنان شرکتی مخابرات ایران اقدام به اعتراض و اعتصاب می‌کنند. کارکنان شرکتی مخابرات ایران در سال‌های گذشته چندین بار هم در مقابل مجلس تجمع کرده‌اند.

کارکنان شرکتی به افرادی گفته می‌شود که به صورت مستقیم با شرکت‌های مادر (مثل مخابرات) قرارداد ندارند بلکه با یک شرکت واسط یا پیمانکار قرارداد بسته‌اند و فرد استخدام شده مستقیم با دولت قرارداد ندارد و نیروی رسمی شرکت به حساب نمی‌آید. چنانکه در ایران امروز ۹۵ درصد کل کارگران به صورت قراردادی کار می‌کنند که در این زمینه رئیس اتحادیه کارگران قراردادی و پیمانی (فتح الله بیات) در مصاحبه‌ای اعلام کرد که «تعداد کارگران قراردادی از مرز ۱۲ میلیون نفر گذشت و در حال حاضر بیش از ۹۵ درصد از کل کارگران کشور را قراردادی تشکیل می‌دهند.» حدوداً ۲۳ هزار نفر در کشور نیروی شرکتی مخابرات هستند که تقریباً ۸۰ درصد کارها روی دوش کارکنان شرکتی می‌باشد و دستمزد این کارکنان شرکت بعضاً یک چهارم درآمد نیروهای رسمی می‌باشد. سلمان خدادادی نماینده مجلس در مصاحبه‌ای اعلام کرد: «قابل توجه نیست که در یک اتاق، یک دفتر، یک نهاد، یک سازمان و یا یک وزارتخانه، دو نفر کار یکسانی انجام دهند؛ یکی قراردادی باشد و یک میلیون بگیرد ولی دیگری رسمی باشد و سه یا چهار میلیون درآمد داشته باشد.»

در واکنش به سراسری شدن اعتراضات کارگران پیمانی مخابرات و گسترش آن در استانهای مختلف، از سوی روابط عمومی مخابرات اطلاعیه‌ای داده شد که کارکنان اعتصابی را «گروه معدودی از کارکنان» تحریک شده از طرف «گروه‌ها و جناح‌های سیاسی» لقب داده شدند و حتی در این اطلاعیه آمده است که «با این که مخابرات نیاز به این تعداد نیرو به خصوص در بخش پیمانکاری ندارد و آنها را تاکنون تعدیل نکرده است و اگر این روند ادامه پیدا کند، این شرکت علی‌رغم میل خود مجبور است جمع زیادی از این پرسنل را تعدیل کند.»

از آنجایی که خواسته‌های نیروهای شرکتی کاملاً یک خواست صنفی می‌باشد، با این همه اطلاعیه مدیران مخابرات ریشه در ترس از حرکت و اعتصاب دسته جمعی و سراسری کارکنان شرکتی مخابرات دارد که سعی دارند با تهدید به اخراج از ملحق شدن دیگر شهرها و استان‌ها جلوگیری کنند. کارکنان شرکتی مخابرات نیز اطلاعیه‌ای را منتشر کرده‌اند که در بخشی از آن آمده است: «تهدید به اخراج و تعدیل نیرو تاکنون حربه‌ای بوده برای عدم اجرای قانون و پرداخت مطالبات و جلوگیری از خواسته‌های برحق پرسنل خصوصی؛ تاکنون بارها مذاکره کردیم و هر بار مدیران زمان را به تعویق انداخته و فقط به وعده اکتفا نموده‌اند.»

ولی آنچه این اعتصاب را از دیگر اعتصاب‌های روزانه‌ای که در گوشه و کنار ایران اتفاق می‌افتد، متمایز می‌کند این است که کارکنان شرکتی مخابرات در استانهای مختلف با یک حرکت هماهنگ و سراسری دست به اعتصاب زدند و خواستار به اجرا در آمدن خواسته‌های خود شدند و اعتراض و اعتصاب خود را از صورت منطقه‌ای به سراسری تبدیل کردند.

نگاهی کوتاه بر آنچه در اعتراضات سراسری کارگران مخابرات می‌گذرد و عکس‌العمل سراسیمه مقامات و مدیران مسئول، تاکیدی دیگر بر قدرت اعتصابات سراسری کارگری می‌باشد که سراسری شدن اعتصاب و اعتراضات صاحبان قدرت را به تهدید وا داشته است.

این حرکت می‌تواند الگویی باشد برای دیگر صنف‌ها در ایران تا بتوانند حرکت و اعتراضات خود را از صورت منطقه‌ای به سراسری تبدیل کنند تا بتوانند قدرت چانه‌زنی خود را بالا برده و همچنین صاحبان قدرت نتواند اعتراضات را به سادگی سرکوب کند.

دستیابی به مطالبات صنفی بزرگترین خواست جنبش مزدگیران است

تا زمانیکه طبقه کارگر ایران وارد فرایند «خود پیدا کردن اجتماعی» نشوند و به «خود آگاهی اجتماعی و طبقاتی» خود باور پیدا نکنند، نمی‌توانند وارد فرایند «سازمان‌گری تشکل مستقل طبقاتی» بشوند.

کارگری

تجمع معلمان آزاد سراسر کشور مقابل مجلس

بیش از صد نفر از معلمان شاغل در مدارس غیرانتفاعی از سراسر کشور به تهران آمدند و مقابل مجلس تجمع کردند. این معلمان که نه از حق بیمه بهره‌مندند و نه حداقل دستمزد مصوب شورای عالی کار نصیبشان می‌شود، از شرایط شغلی خود به شدت ناراضی هستند. یکی از حاضران در این تجمع می‌گوید: فرق ما با معلمان رسمی چیست؟ ما هم همان کار را انجام می‌دهیم اما دستمزدمان از آن‌ها خیلی کمتر است؛ در تابستان درآمد نداریم و از مزایای بیمه هم محرومیم و این به هیچ وجه عادلانه نیست. این معلم آزاد خواسته خود را جذب در آموزش و پرورش و برخورداری از مزایای دیگر معلمان عنوان کرد. این معلمان که از چند روز پیش در فضای مجازی برای این تجمع هماهنگی کرده بودند، از ساعات ۸ صبح مقابل مجلس جمع شدند.



تعدیل کارگران «نساجی پاکان»

تا یک دهه پیش، بیش از ۲۳۰ کارگر در این کارخانه نساجی مشغول کار بودند اما با به حداقل رسیدن تدریجی فعال خطوط تولیدی تنها ۴۰ کارگر در این کارخانه باقیمانده‌اند. از قرار معمول بیشتر کارگران این واحد صنعتی در قالب اجرای مقررات بازنشستگی و یا خاتمه قرارداد اخراج شده‌اند. به گفته کارگران، فعالیت این کارخانه که از حدود ۵۰ سال پیش برای تولید محصولات ریسندگی و بافندگی تأسیس شده بود مانند سایر واحدهای صنعتی با مشکل تأمین نقدینگی مواجه است. بخش عمده مشکلات این واحد تولیدی به مطالبات دارایی و تأمین اجتماعی بازمی‌گردد و در این بین پافشاری اداره دارایی برای وصول طلب معوقه باعث نگرانی کارگران باقیمانده از بابت آینده شغلی شده است.

ادامه اعتراضات شرکتی‌های مخابرات در استان‌های مختلف

با گذشت بیش از ده روز از شروع اعتراضات کارکنان شرکتی مخابرات در مشهد، این اعتراضات همچنان ادامه دارد و به شهرها و استان‌های دیگر هم کشیده شده است. در مشهد، همدان، شیراز، شهرهای استان لرستان و همچنین در استان خوزستان، بیش از چند صد نفر از کارکنان شرکتی مخابرات دست از کار کشیدند و مقابل ساختمان‌های این سازمان تجمع کردند. این کارکنان که طرف قرارداد با شرکت‌های خصوصی و اغلب در شبکه کابل هوایی مخابرات مشغول به کار هستند، خواستار اجرایی شدن طرح طبقه‌بندی مشاغل در مخابرات، عقد قرارداد مستقیم و تأمین امنیت شغلی هستند.



شرکتی‌های مخابرات در شهرهای استان لرستان تجمع کردند

کارکنان شرکتی مخابرات در شهرهای مختلف استان لرستان دست از کار کشیدند و در اعتراض به وضعیت نامساعد شغلی تجمع کردند. معترضان در کوه‌دشت، پلدختر، خرم‌آباد و دیگر شهرهای لرستان، یا در مقابل ادارات مخابرات و یا در فضاهای سرپوشیده جمع شدند و از مسئولان شرکت مخابرات می‌خواهند که به وضعیت آن‌ها رسیدگی کنند. یکی از حاضران در تجمع که در شهرستان پلدختر استان لرستان مشغول به کار است، می‌گوید در این شهرستان به دلیل گرمای هوا، خانم‌ها در دبیرخانه و آقایان در قسمت فنی جمع شده‌اند. این تجمعات در حالی برگزار می‌شود که اعتراضات شرکتی‌های مخابرات خراسان پس از گذشت ده روز، همچنان ادامه دارد. شرکتی‌های مخابرات خواسته‌های خود را اجرای طرح طبقه‌بندی، عقد قرارداد مستقیم با مخابرات و تأمین امنیت شغلی و در نهایت، رفع تبعیض در مخابرات عنوان می‌کنند. معترضان می‌گویند واکنش مسئولان شرکت مخابرات ایران به تجمعات و اعتراضات شرکتی‌ها، ناامیدکننده است؛ با این حال تا اجرای کامل قانون و احقاق حق خود، به اعتراض ادامه خواهیم داد.



جنبش دانشجویی پیشقراول جنبش دموکراتیک در ایران است

کاشی اصفهان خوابید

کارگران کاشی اصفهان از تعطیلی خطوط تولید و بیکار شدن مجدد خود خبر دادند. این کارگران که در سال جدید پس از ماه‌ها تعطیلی، خودشان کارخانه را راه‌اندازی کردند و با فروختن کاشی، مواد اولیه خریدند، بعد از حدود چهار ماه کار کردن بدون مدیرعامل و با سختی بسیار، دوباره بیکار شده‌اند. یکی از کارگران می‌گوید: قرار بود مجمع برگزار شود و تکلیف تعیین مدیرعامل کارخانه روشن شود. ولی برای چندمین بار سهامداران و هیات مدیره نیامدند و بار هم مجمع برگزار نشد. ماه‌ها خون‌دل خوردیم و با همت خودمان چرخ کارخانه را گرداندیم؛ سهامداران قرار بود ۲۵۰ میلیون تومان برای پرداخت دستمزد کارگران بدهند که ندادند؛ و در نهایت متاسفانه باز هم خطوط تولید تعطیل شد. سهامداران، مسئولان محلی و مقامات نمی‌خواهند فکری به حال کاشی اصفهان و کارگران آن بکنند؛ او می‌گوید: به نظر می‌رسد دست‌هایی پشت این اتفاق ناگوار است؛ انگار عده‌ای دوست دارند کاشی اصفهان بخوابد. او می‌گوید: سرنوشت چند صد کارگر کاشی اصفهان بی‌اهمیت‌ترین چیز برای مسئولان است و برای سهامداران کارخانه و این جای بسی تأسف دارد.



تجمع کارگران صبا فولاد زاکرس به همراه خانواده‌هایشان

به دنبال اخراج ۱۲۰ کارگر کارخانه صبا فولاد در ابتدای تیرماه صبح امروز این کارگران به اتفاق خانواده‌هایشان مقابل استانداری چهارمحال و بختیاری تجمع کردند. کارگران اعلام کردند که از زمان اخراج این چندمین باری است که نقاط مختلفی همچون مقابل کارخانه و نهادهای مرتبط دولتی در شهرکرد تجمع می‌کنیم اما تا این لحظه هیچ پاسخی از سوی مسئولان و کارفرما به خواسته‌هایمان داده نشده است. معترضان که طی ۱۰ روز گذشته بارها پیگیر وضعیت شغلی خود بوده‌اند در خاتمه می‌گویند با گذشت ده روز هنوز موفق به بازگشت بکار سابقمان نشده‌ایم به همین دلیل امروز از مسئولان استانداری در چهارمحال بختیاری می‌خواهیم به وضعیتی که ما کارگران صبا فولاد به آن دچاریم رسیدگی کند.



بیشترین نرخ بیکاری در استان البرز

داده‌های جدید مرکز آمار ایران از نرخ بیکاری در بهار سال جاری نشان می‌دهد که بیشترین نرخ بیکاری در استان‌های البرز، چهارمحال و بختیاری و کرمانشاه وجود دارد. نرخ بیکاری در استان‌های البرز، چهارمحال و بختیاری و کرمانشاه در بهار سال ۹۶ به ترتیب ۲۰.۴ درصد، ۲۰.۳ درصد و ۲۰.۲ درصد بوده است. در انتهای جدول منتشر شده از سوی مرکز آمار استان‌های مرکزی، سمنان و همدان قرار دارند که کمترین نرخ بیکاری را دارند. نرخ بیکاری در استان مرکزی ۷.۴ درصد، در استان سمنان ۸.۸ درصد و در استان همدان ۸.۹ درصد بوده است. به صورت کلی بر اساس گزارش مرکز آمار ایران، نرخ بیکاری در فصل نخست سال جاری با ۰.۱ درصد افزایش نسبت به زمستان گذشته به ۱۲.۶ درصد رسیده است.

بیش از ۹۵ درصد از کل کارگران کشور قراردادی هستند

رئیس اتحادیه کارگران قراردادی اعلام کرد: با اشاره به اینکه از سال ۱۳۷۴ به بعد شرکت‌های قراردادی و پیمانکاری به شکل نامعقولی رشد پیدا کرده‌اند، در حال حاضر بیش از ۹۵ درصد از کل کارگران کشور را قراردادی تشکیل می‌دهند. وی افزود: با اینکه قراردادهای سفید امضا، یک ماهه و سه ماهه به شکل نامطلوبی رواج پیدا کرده است.

چای چین‌ها در سال ۲۵۰ هزار تومان درآمد دارند!

رئیس اتحادیه چایکاران کشور گفت: کارگران کارخانه‌های چای به دلیل اینکه نمی‌توانند حقوق حداقلی خود را از کارفرما دریافت کنند وضعیت معیشتی مناسبی ندارند. از سوی دیگر کارفرما هم نمی‌تواند چای خشک خود را به فروش برساند. در مجموع استان‌های گیلان و مازندران (غرب) ۱۲۰ کارخانه چای‌سازی داریم. در هر یک از این واحدها به صورت میانگین ۳۰ تا ۴۰ کارگر مشغول به کار هستند.

۱۸ سال پس از ۱۸ تیر بازخوانی حمله به کوی دانشگاه تهران و بزرگترین حرکت اعتراضی جنبش دانشجویی پس از ۱۳۵۷

نوشته پیش رو از سوی واحد فرهنگی انجمن دانشجویان دانشگاه صنعتی امیرکبیر در سال های گذشته تهیه شده و دربرگیرنده جزئیات اعتراض های دانشجویان در تیرماه سال ۷۸ از این رویداد مهم است. ما خلاصه ای از این گزارش را در زیر می آوریم. روز پنج شنبه ۱۷ تیرماه درحالی که دانشگاه ها آماده آغاز تعطیلات تابستانی می شدند، جنبش دانشجویی در حال تدارک یک راهپیمایی آرام بود. ساعت ۱۰/۵ شب بود. دانشجویان، این پیش آهنگان آزادیخواهی و استقلال طلبی ملت ایران، به عنوان اعتراض به طرح چنین قانونی برای مطبوعات در مجلس، و همچنین اعتراض به توقیف روزنامه سلام، راه پیمایی آرامی را در کوی دانشگاه آغاز کردند... دانشجویان ساعت ۱/۵ صبح قطعنامه راهپیمایی را می خوانند و خواستار رفع توقیف سلام و عدم تصویب طرح اصلاح مطبوعات می شوند و بعد اکثرشان می روند که بخوابند ولی حضور نیروی ضدشورش که



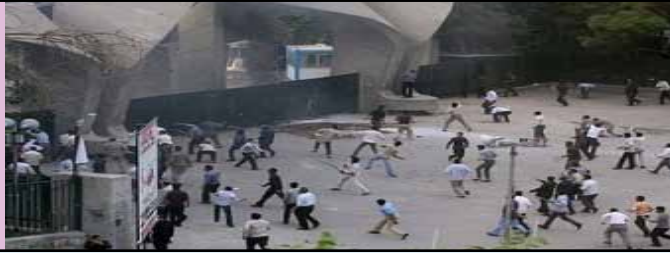
چند ده متر دورتر ایستاده اند و حالا عده ای با لباس شخصی به آنها پیوسته اند باعث می شود ۶۰-۵۰ نفر از دانشجویان در محل بمانند... سنگ پرانی ها و درگیری های پراکنده تا ۴ صبح ادامه پیدا می کند. دانشجویان عقب نشینی کرده وارد کوی می شوند و به خیال اینکه همه چیز تمام شده به طرف خوابگاه های خود حرکت می کنند تا بخوابند. مذاکرات دکتر کوهی با فرمانده نیروی انتظامی حاضر در محل به جایی نمی رسد و خود او و دکتر سلیمانی معاون دانشجویی دانشگاه تهران به نحو زنده ای دستگیری می شوند. دانشجویان بهت زده می گریزند... نیروی انتظامی و انصارحزب الله در آغاز به مسجد کوی که دم دست است مغول گونه حمله می کنند... دانشجویان نمازگزار را درحضور امام جماعت کوی به شدت زیر ضربات باتوم و مشت و لگد می گیرند. دانشجویان بهت زده کتک می خورند... درحالیکه ساختمانهای ۱۴-۱۵-۱۸-۱۹-۲۰-۲۱ و ۲۲ یکی پس از دیگری مورد هجوم قرار می گیرند،



موج دیگری از لباس شخصی ها از درب جنوبی حمله می کنند... کتابها، رایانه ها، تختخوابها، میز و صندلی و وسایل شخصی دانشجویان تخریب و عکسهای شخصیتهایی چون دکتر مصدق، دکتر شریعتی پاره شده و به آتش کشیده شد. شمار زیادی از دانشجویان مضروب و مصدوم شدند. دانشجویان را که زیر ضربات مشت و لگد و باتوم و پنجه بوکس زخمی شده اند به داخل ماشین ها می برند... دانشجویان ساختمان ۲۲ تصمیم به ایستادگی می گیرند و میزها را در جلوی درب می گذارند اما مهاجمان هیچ مقاومتی را برنمی تابند... در ساختمان ۲۲ یکی از بچه ها را از طبقه سوم به پایین پرت می کنند و فریاد می زنند "یا حسین قبول کن!" در بعضی از ساختمان ها به خود زحمت ورود هم نمی دهند؛ از سوراخی که با باتوم روی درب اتاق درست کرده اند، گاز اشک آور می اندازند و بچه ها را که با احساس خفگی خارج می شوند، می زنند و می برند... کم کم سپیده دم ۱۸ تیر می تابد.

ساعت ۵/۵ است مهاجمان کم کم می روند و فضای درگیری آرامتر می شود تمام کوی را گاز اشک آور گرفته است. دور تا دور میدان مرکزی کوی زخمی ها ناله می کنند. بچه ها سعی می کنند زخمی ها را دست کم به بیمارستان بفرستند، اما هنوز بیرون کوی پراز نیروی ضدشورش و شبه نظامیهاست... دیگر هر کس را سر راهشان قرار می گیرد می برند، حتی بعضی از کسانی را که برای تماشا ایستاده اند. گروه گروه دانشجویان با پاهای برهنه از روی شیشه های خرد شده عبور داده می شدند. بیمارستانها تحت کنترل بود. هرکس از دانشجویان زخمی که به بیمارستان می آمد توسط لباس شخصی ها بازداشت و به جای نامعلومی برده می شد. آمبولانس خوابگاه که چند زخمی را به بیمارستان شریعتی حمل میکرد در میانه راه متوقف شد. زخمی ها به حالت وحشتناکی بیرون آمبولانس پرت شدند. راننده آمبولانس کتک خورد. حتی یک پلیس که به حمایت از زخمیها در برابر لباس شخصیها آمده بود کتک خورد. یکی از زخمیها گفت که از دهانش خون میآمد. چون توسط گروهی نامعلوم سنگ خورده بود. آنها تا او را دیدند مشت می زدند. به دهانش کوفتند و در گوشه ای از خیابان انداختند. در حالیکه از او خون میرفت، اجازه نمی دادند کسی او را به بیمارستان ببرد... حدود ساعت ۸ صبح مهاجمان کوی را ترک می کنند... آن سوی نرده ها سکوت مرگ، بهت و گریه و بغض و کینه بر کوی حاکم است. زخمیان را به بیمارستان شریعتی می رسانند. خیلی ها را (می گویند ۵۰۰ تا ۱۰۰۰ نفر) را برده اند، معلوم نیست به کجا. همه گیج و بهت زده اند. نمی دانند چه باید بکنند. ساعت ۱۰ صبح است. خبر به صورت پراکنده در شهر پخش شده است. بازماندگان دادند بغض آلود و خشمگین در کنار حوض مرکزی کوی جمع می شوند. بچه های دانشگاه اولین گردهمایی را تشکیل می دهند.

حالا دیگر جمعیت خیلی زیاد شده است عده ای از بچه ها با فریاد همه را به تحصن در داخل کوی فرا می خوانند. اما بچه ها خشمگین و داغند. آنچه دیده اند، جای هیچگونه تاملی باقی نگذاشته است... از همین جا دو دسته می شوند. عده ای همه را به داخل



می خوانند و عده ای نیز خواستار بیرون رفتن هستند تا صدای دادخواهی خود را به گوش مردم برسانند... بازار شایعات داغ است. واقعا چند نفر کشته شده اند؟؟ رسانه های داخلی چه اصلاح طلب چه محافظه کار در این مورد متفق چشمها را بسته اند... وقت نماز ظهر عده ای با پهن کردن فرش در داخل کوی سعی می کنند دانشجویان را به داخل بکشانند، اما دانشجویان بیرون کوی با فریاد خواستار نماز خواندن در بیرون کوی می شوند و فرشها را یکی یکی به بیرون کوی منتقل می کنند. از این زمان به بعد خبرنگاران هم بین جمعیت هستند. بچه ها دور آنها جمع شده اند و درآلود ماجرا را تعریف می کنند... پیراهن سفیدها حدود ساعت ۲ سر می رسند. چندین وانت و تعدادی موتور سیکلت پر از نیروهای معروف به انصار به نیروی انتظامی ملحق می شوند. آنها درحالی که چوب بالای سر می گردانند فریاد “ مرگ برمنافق “ و “ حزب اله ماشالله “ سر می دهند. بلافاصله به دانشجویان حمله می کنند. بچه ها که هنوز جز سنگ چیزی ندارند با صورتهای پوشیده، این تنها اسلحه را پرتاب می کنند و به داخل کوی عقب می نشینند. مسئولین یکی یکی از راه می رسند. کوی دانشگاه تا به حال این همه مقامات مملکتی به خود ندیده



بود! فاطمه کروبی، صدیقه و سمدی و فائزه هاشمی هم به میان دانشجویان می آیند... ساعت حدود ۵ عصر است. درگیری های پراکنده کی ماکان ادامه دارد و کم کم بالا می گیرد. نیروی انتظامی گاز اشک آور پرتاب می کند و بچه ها با اولین کوکتل مولوتوف ها بدان پاسخ می گویند. دانشجویان یکی از یخچالهایی را که دیشب کاملا شکسته و داغان شده بود را به وسط خیابان کارگر (۱۸ تیر) می آورند و آتش می زنند... با ورود هر مسئولی آتش بس می شود و پس از مدتی دوباره درگیری ادامه می یابد. وزیر کشور، وزیر آموزش عالی، وزیر بهداشت، رییس دبیرخانه شورای امنیت ملی و قائم مقام وزارت اطلاعات از راه می رسند... موسوی لاری تازه از راه رسیده و در برابر خوابگاه ۱۴ مشغول سخنرانی است.

بچه ها از وزیر می خواهند که برای آرام شدن اوضاع لباس شخصی ها و نیروهای ضدشورش را از آنجا ببرد. وزیر در برابر چشمان بچه ها با تلفن همراه با فرمانده نیروی انتظامی تماس می گیرد ولی پس از چند لحظه مستاصل می گوید: “متأسفانه به حرف من گوش نمی دهند!” همه بلند می خندند. باز مقامات دیگر از راه می رسند. مجید انصاری نماینده مجلس و تاج زاده معاون وزارت کشور... پس از پرتاب هر کوکتل مولوتوف دانشجویان از بالای ساختمانها برای مردم دست تکان می دهند و مردم متقابلا آنها را تشویق می کنند و به شدت ابراز احساسات می نمایند. مردم به دانشجویان غذا و شیرینی و... هم می رسانند. شعله های آتش از وسط خیابان سر به فلک می کشند و افرادی که گاز اشک آور خورده اند جلوی آتش برده می شوند تا دود تنفس کنند... حدود ساعت یک بعد از نیمه شب شمس الواعظین (سر دبیر نشاط) سخنرانی می کند با بچه ها همدردی می کند، اما در ادامه خط اصلاحات نحوه واکنش قانونمند را تشریح می کند: “ بچه ها! در میدان خشونت، زور تعیین کننده است نه حق “ دانشجویان اما این سخن درست را در چارچوب فضای اصلاحات هدایت شده می بینند و بر این باورند که کوتاه آمدن در برابر ستم باعث جری تر شدن آن می شود و اصولا کسانی که به خیابان آمدن را طرح می کنند، نه در پی آشوب بلکه در فکر پیوند زدن جنبش دانشجویی و مردمی اند. صدای تیر شنیده می شود و ناگهان چند نفر به زمین می افتند و روی دست دانشجویان به داخل کوچه ها برده می شوند... حدود ۴ صبح بالاخره نیروهای ضدشورش و شبه نظامیان عقب نشینی کرده محل را ترک می کنند. بچه ها آرام و خسته با احساس پیروزی به داخل کوی برمی گردند. بعضی مسوولان در کنار آنها در مسجد کوی خوابیده اند، آرامش نسبی برکوی حاکم است. خبر می رسد که فردا ۱۰ صبح قرار است جلوی درب اصلی دانشگاه تحصن کنند. بعضی کابوس دیشب و بعضی خواب فردا را می بینند. عده ای نیز تا صبح جلوی درب کشیک می دهند تا حمله تکرار نشود.

مجموعه فعالان حقوق بشر در ایران معتقد است ۷ نفر در واقعه حمله به کوی دانشگاه کشته شده اند. که تاکنون فقط هویت عزت الله ابراهیم نژاد و فرشته عزیز زاده روشن شده است. شورای متحصنین در بیانیه ۲۶ تیر مرگ تامی حامی فر را نیز تأیید کرد. سعید زینالی نیز از هنگام دستگیری توسط مأموران ناپدید شده است. همچنین چشم یک دانشجوی پزشکی بر اثر اصابت گلوله تخلیه، دست و پای عده ای شکسته و تعداد زیادی دانشجو ضرب و شتم شدند. از این حادثه به عنوان بزرگترین چالش جنبش دانشجویی در ایران پس از انقلاب ۱۳۵۷ نیز یاد می شود.

احضار يك فعال مدنی به دادگاه اهر

طی روزهای اخیر، یک فعال مدنی شهروند آذربایجانی به دادگاه انقلاب اهر احضار شده است. بیت الله برزگر، یکی از فعالین مدنی آذربایجانی، با احضار به دادگاه انقلاب دادگستری شهرستان اهر، می‌بایست «جهت اخذ توضیح پیرامون اتهام انتسابی» در تاریخ ۱۷ مرداد ماه سال جاری، در دادگاه انقلاب اهر حاضر شود. اتهام وارد شده به این فعال مدنی، تبلیغ علیه نظام و شرکت در دستجات مخالف نظام به قصد بر هم زدن امنیت ملی عنوان شده است. گفته می‌شود که علت احضار این فعالین شرکت در مراسم زبان مادری در سال ۹۴ است که در شهر اهر توسط فعالین ملی برگزار شده بود. در پی یورش نیروهای امنیتی به این مراسم، دستکم ۱۰۰ نفر از فعالین در این مراسم بازداشت و با پرونده‌های سیاسی و امنیتی روبه‌رو شدند. با گذشت چندین سال هنوز پرونده این فعال مدنی مخومه نشده و همچنان فشار بر این فعال مدنی آذربایجانی همچنان ادامه دارد. به ذکر است قبلاً این فعال مدنی به همراه دو تن از فعالین دیگر در تاریخ ۲۳ فروردین‌ماه، نیز توسط شعبه سوم دادگاه انقلاب دادگستری تبریز، احضار شده بودند.



انتقال مهدی فراهی شانديز به زندان انفرادی بخاطر پاره کرده عکس خامنه ای

مهدی فراهی شانديز، زندانی سیاسی هم‌اکنون در زندان مرکزی کرج محبوس است. این زندانی سیاسی در ۱۸ خرداد ۱۳۹۶ از زندان گوهردشت کرج به زندان چوبیندر قزوین فرستاده شد. در حالی‌که به او اجازه ندادند که هیچ وسیله‌ای با خود همراه ببرد و حتی اجازه نداشت که چند تکه لباس با خود بردارد و به‌صورت ناگهانی، با خشونت و همراه با ضرب و شتم منتقل شد. در قزوین بعد از تحویل او به کلانتری ۱۳، وی را پیش قاضی کشیک بردند. در کلانتری پس از پاره کردن عکس خامنه‌ای و شعار مرگ بر خامنه‌ای و مرگ بر اصل ولایت فقیه، مورد خشم مأموران رژیم واقع شد و با تحویل وی به زندان چوبیندر و تکرار همان کارها به انفرادی فرستاده شد. بعد از ده روز مهدی فراهی به کرج منتقل شد و یک شب در کلانتری ۱۱ کرج به‌سر برد و فردای آن روز پیش فردی به نام شهروی قاضی شعبه ۱۷ اجرای احکام بیدادگاه انقلاب کرج فرستاده شد. هنگامیکه مهدی فراهی شانديز در برابر شهروی از حکومت دیکتاتوری انتقاد کرد و آن را حکومت شیطانی نامید؛ شهروی او را به زندان مرکزی کرج فرستاد. زندانی سیاسی مهدی فراهی هنگامی‌که در ۱۹ تیر ۹۶؛ پرونده قضایی خود را دید متوجه شد سه و نیم سال دیگر به محکومیت‌های گذشته وی اضافه شده و با اقدامات شهروی بایستی تا ۱۲ شهریور ۱۴۰۲ در زندان به‌سر ببرد. مقامات قضایی کرج حتی حکم را به‌صورت رسمی به وی ابلاغ نکرده‌اند تا بتواند اعتراض کند. زندانی سیاسی مهدی فراهی شانديز پس از گذشت دو روز که در سالن ۷ زندان کرج محبوس بود؛ مجدداً عکس خامنه‌ای را پاره کرد و شعار مرگ بر خامنه‌ای داده و در اول تیر ماه به انفرادی منتقل شد.

محمد کریمی فعال ملی مذهبی به اتهام "تبلیغ علیه نظام" به بازداشت محکوم شد

جلسه رسیدگی به اتهامات محمد کریمی فعال مدنی خردادماه ۱۳۹۵، در شعبه ۲۸ دادگاه انقلاب تهران به ریاست قاضی مقیسه برگزار شد، طی روزهای اخیر، حکم این فعال مدنی به وی ابلاغ شد. متن دادنامه محمد کریمی به شرح عینی ذیل است؛ درخصوص اتهام محمد کریمی دایر بر فعالیت تبلیغی علیه نظام جمهوری اسلامی با عنایت به محتویات پرونده بررسی‌های انجام شده و استماع مدافعات وی و گزارش سازمان اطلاعات اینکه نامبرده از فعالین گروه‌های التقاطی ملی مذهبی جبهه ملی ایران و مادران پارک لاله می‌باشد در مورخ ۹۳/۲/۱۹ در منزل خود اقدام به تشکیل جلسات با عناصر ضدانقلاب جبهه ملی و کانون مدافعان حقوق بشر داشته و در آن جلسات اقدام به برنامه ریزی و هماهنگی برای حضور در منازل خانواده‌های زندانیان ضدانقلاب و کمک مالی به آنها نموده و اقدام به دعوت و تشویق افراد به حضور در منزل سرکرده گروه نهضت آزادی ابراهیم یزدی و در جهت ایجاد ائتلاف و همراه کردن گروه‌های ضد انقلاب با گروه‌های نهضت آزادی و جبهه ملی از جمله گروه ضدانقلاب مادران پارک لاله نموده است از فعالیت‌های نامبرده در جهت تبلیغ علیه نظام، مدیریت گروه مجازی (پاران، رواداری) هم‌رنگ و دوستان به شبکه اجتماعی و اقدام در جهت فراخوان نیروهای ضدانقلاب به تجمع غیرقانونی- مقابل زندان اوین به دفاع از محکوم ضدانقلاب نرگس محمدی و به دفاع از نسرین ستوده. تجمع مقابل لاستیک دنا و کانون وکلا که اعضاء این اجتماعات را افراد بهائی، مادران پارک لاله - خانواده‌های معدومین تشکیل می‌داده است. دعوت از گروه‌های ضدانقلاب جهت حضور در منزل دختر سران فتنه آقای موسوی و توهین به حضور مردم انقلابی در راهپیمایی باشکوه ۲۲ بهمن ۹۳ که مردم انقلابی را ساندیس خوران مزدور اعلام نموده است نامبرده فعالیت‌های غیرقانونی خود را قانونی تلقی می‌نماید و در دفاع از سران فتنه و محکومین ضدانقلاب حق قانونی خود دانسته. رای صادره حضوری و ظرف مدت ۲۰ روز از تاریخ ابلاغ قابل تجدید نظر خواهی می‌باشد. لازم به یادآوری است آقای کریمی دارای پرونده ای جداگانه ای با اتهام "اخلال در نظم عمومی" است که در حال حاضر در پروسه دادرسی قرار دارد.

حقایق را از شما پنهان کردند!

روز چهارشنبه، ۱۴ تیرماه سال جاری، هیئتی متشکل از ۴۵ سفیر به دعوت سازمان زندان های ایران و نهاد حقوق بشری اسلامی، از زندان اوین بازدید کردند. در پی حضور و بازدید از پیش تعیین شده سفرای مقیم تهران از زندان اوین، گلرخ ایرایی و فاطمه (آتنا) دایمی از فعالان محبوس در بند زنان زندان اوین در نامه ای سرگشاده خطاب به این مقامات، خواهان بازدید های از پیش تعیین نشده از زندان ها و همچنین خواستار ورود گزارشگر ویژه حقوق بشر، عاصمه جهانگیر به ایران و بازدید از زندان ها و ملاقات با زندانیان شدند. بخش هایی از این نامه را در زیر می خوانیم؛

...خطابمان با شماست، شما سفرای محترمی که دعوت شدید تا از بخش های دلخواه آقایان در زندان اوین دیدن کنید. همه شما و ما میدانیم که مدتهاست به دلیل نقص فاحش حقوق بشر، ایران و خصوصاً سازمان زندان های ایران دستخوش تحریم شده اند. سالهاست که از سوی ایران به نمایندگان ویژه سازمان ملل (آقای احمد شهید و خانم اسما جهانگیر) اجازه ورود به ایران و بازدید داده نشده است و حال شما سفرای مقیم تهران خواسته یا ناخواسته بلندگوی وارونه نمایی ایران از وضع حقوق بشرش شدید.

آیا آگاه هستید که به راستی زندان اوین شامل چند بند و چند بازداشتگاه می باشد؟ آیا موفق شدید بندهای ۲۰۹ مربوط به وزارت اطلاعات، دو- الف مربوط به اطلاعات سپاه پاسداران و ۲۴۱ مربوط به اطلاعات قوه قضاییه دیدن کنید؟ آیا سلول های انفرادی بدون پنجره و تهویه و سرویس بهداشتی آنها را دیدید؟ آیا سیاه چالها و اتاق های تنگ و تاریک بازجویی هاشان را دیدید؟ آیا سلولهای معروف قبر را به شما نشان دادند؟ هواخوری های سر بسته و چشم بند و دستبند را چطور؟ طبق اظهارات روزنامه های داخل ایران شما بزرگواران از حسن شرایط زندانیان و فضای زندان شگفت زده بودید. با چند زندانی هم صحبت شدید؟ آیا شما را از تعداد بازداشتها، مدت انفرادی ها، نحوه بازجویی ها و انواع شکنجه های جسمی و روانی مطلع کردند؟ راستی چرا شما را به تنها بند زنان سیاسی زندان اوین یعنی همین جایی که ما به اجبار در آن ساکنیم نیاوردند؟ حتماً به شما هم گفته اند که اوین بند زنان ندارد.

... یک روز قبل از حضورتان در زندان اوین، ورود تمام روزنامه ها به بندهای زندان ممنوع شد. نخواستند از وجود هم آگاه شویم تا مبادا پرده نمایششان به هر طریقی بر زمین افتد و حقیقت نمایان شود. از بهداشت گفتند و گفتید و از بهداشت زنان می گوئیم. از وضعیت بهداشتی و داروهای اشتباه، از نبود مواد ضد عفونی کننده و شوینده به بهانه تحریم و کسری بودجه... آیا به شما گفته اند که برای زنان زندانی در این زندان به دلیل معذوریت شرعی معاینه توسط پزشک مرد، تزریق دارو و تست نوار قلب انجام نمی شود؟ آیا گفتند که حتی یک پرستار زن برای انجام این امور برای ما زنان در این زندان وجود ندارد؟ آیا می دانید چند صد یا هزار نفر زندانی به دلیل آشامیدن آب ناسالم زندان از بیماری کلیوی رنج میبرند؟ آیا شما را با پزشکی با نام مستعار شهریار آشنا کردند؟ پزشکی که بدون معاینه و تنها از طریق نگاه پی به بیماری زندانی میبرد و هرگز به دلیل ترس از عواقب تشخیص ها و تجویزهای اشتباهش و به دلیل جلوگیری از افشای هویت حقیقی اش، مهربانی که گویای هویت وی است بر نسخه هایش دیده نمی شود.

... برایتان از بند زنان زندان اوین مثال می زنیم که راه خروج اضطراری آن هم با ۳ در و ۳ قفل روی آن بسته است و محاسبه کنید زمان باز شدن هر درب را پس از تماس ها و هماهنگی های لازم برای حضور سرباز و فک پلمپ. کاش می دیدید که چندین و چند زندانی به دلیل نبود تخت روی زمین و موکتهای حسینی بندها و با کمترین فاصله از هم میخوابند. کاش کمی هم از غذایی که بین زندانیان پخش می کنند میل می کردید.

... آیا شما را از وجود بندهای متروکه ۳۵۰ (بند سیاسی آقایان) یا بند روحانیت آگاه کردند؟ آیا برایتان گفته شده که چند زندانی تمام مدت حبسشان را در سلولهای انفرادی بازداشتگاه ها می گذرانند؟ افرادی همچون محمد علی طاهری که بیش از ۵ سال است که در سلولهای انفرادی دو-الف سپاه پاسداران به سر می برد. لازم است بدانید ما زندانیان این زندان برخلاف ادعای رییس سازمان زندان ها (مصطفی محبی) نه هر هفته بلکه ماهی یک بار می توانیم به صورت حضوری با خانواده هایمان ملاقات داشته باشیم.

... حال که می بایست این مهم رخ می داد و نداد از شما سفرای محترم می خواهیم در خوش نمایی ها از وضعیت زندان و زندانیان آن شریک نشوید و به صورت کاملاً سرزده به اوین و قرچک و فشافویه و رجایی شهر و سایر زندان های تهران و شهرستان های ایران بروید تا از آن تصویری حقیقی به دست آورید. ما تعداد بیشماری از زندانیان سیاسی در زندان هستیم چون خواستیم تصویری حقیقی از وضعیت نا بسامان حقوق بشر در جمهوری اسلامی ایران ارائه دهیم در این راه متحمل هزینه های سنگین شده ایم و خانواده هایمان نیز به طرق مختلف مورد آزار و اذیت قرار گرفتند و حتی ما را از شما پنهان می کنند. ما که خواستیم حداقل بهبودی در شرایط زندان ها و برای زندانیان حاصل شود حال در زندانیم و شما سفرای گرامی به واسطه برنامه ای هدفمند و از پیش تعیین شده خواسته ما را به تعویق انداختید چرا که از شما و حضورتان در این بزرگترین زندان ایران یعنی اوین استفاده ابزاری شد تا در روزنامه هایشان تیتر بزنند. حال ما امضاکنندگان این نامه از شما دعوت می کنیم که از سازمان زندان های جمهوری اسلامی ایران و نهاد حقوق بشر اسلامی بخواهید تا به گزارشگر ویژه سازمان ملل خانم عاصمه جهانگیر اجازه ورود به ایران، بازدید از زندان ها و ملاقات با زندانیان سیاسی و فعالان اجتماعی را صادر کنند.

آتنا دائمی، گلرخ ایرایی بند زنان زندان اوین هفدهم تیرماه ۱۳۹۶

حاکمیت برای رفع مشکلات عدیده و ساختاری جامعه ایران تنها سلاح زور را می شناسد

از رژیم فقهانی غیر از این هم نباید توقع داشت که برای رفع مشکلات عدیده در حوزه های سیاسی، فرهنگی و اقتصادی متوسل به سلاح زور گردد. زیرا مطالبات انباشته شده مردم ایران دیگر از حد توان و ظرفیت بیرون رفته و طی چهاردهه به مرحله ذوب و انفجار رسیده است. اگر به اخبار رسانه های داخلی نگاهی ژرف ببینیم، در جای جای خاک کشور و اطراف و اکناف این سرزمین و در میان اقوام رنگین کمان ایران، کمتر صفحه سفید دیده می شود، زیر که مطالبات بدیهی و حداقلی مردم ایران با سیاستگذاری های غلط و پارادوکس وار این رژیم تبدیل به یک بحران ساختاری گردیده است.

بحرانی که تنها می توان حل آن را با توسل به دو ابزار میسر دانست؛ الف- تغییر قانون اساسی کشور. ب- تغییر نظام سیاسی و مدیریتی و فرهنگی که البته موضوع دوم هم در قالب تغییر متن قانون اساسی قائل به حل است. و براین اساس نیز بیشتر فعالین مدنی، نیروهای سیاسی و فرهنگی نیز رفع بحرانهای موجود را با تکیه بر شعار فوق پرچم کرده و در حوزه عمومی به تبلیغ آن مشغولند. فعالین مدنی بیشتر با تکیه بر حداقل ها و ظرفیتهای محدود در قانون اساسی، کنش اجتماعی خود را با مطالبات لایه های زیرین جامعه ایران هماهنگ کرده اند اما قالب های فعالیت خود را در کادر همان حداقل هائی که قانون به آنان اجازه می دهد، شکل داده اند. سازمانهای مردم نهاد و مجامع حقوق بشری نیز در این چارچوب فعالیت خود را معنی می کنند. گرچه در همین حد هم بتوسط نهادها و سازمانهای امنیتی مورد آزار و اذیت قرار می گیرند و فعالین آن در زندانهای طویل المدت بسر می برند.

نهادهای صنفی نیز از این وضعیت مستثنی نیستند. آن نهادهایی که در زیر چتر حاکمیت و در تابعیت از قوانین کشوری فعالیت می نمایند، تمام برنامه های خود را برای هدایت کردن اعتراضات و اعتصابات صنفی تا مرز «خط قرمزها» تنظیم کرده اند. خطوطی که اگر کنش جمعی از آن عبور کند، قطعاً حاکمیت آنان را با سرکوب و دیگر ابزار امنیتی نوازش میکند. نهادهای صنفی فوق که بنام نهادهای زرد مشهور می باشند با استفاده از ظرفیت های قانونی در بهترین حالت نقش واسطه گری و چانه زنی با نهادهای قدرت را جهت رسیدن به حداقل ها و البته با تامین سیاستهای کلی رژیم ایفاء می کنند.

اما نهادهای مستقل صنفی که قدرت سازماندهی و بسیج اجتماعی بالاتری دارند و در تجربه جامعه ایران توانسته اند نقش مستقل حرکت صنفی را نشان دهند، مداوماً با سرکوب و خشونت پلیسی مواجه بوده که به این دلیل نیز نتوانستند تا خواسته های مستمر و مداومی را برای صنف خود محقق نمایند.

چالش دیگری که در حرکتهای اجتماعی وجود دارد و باعث می شود تا ماشین سرکوب مدام بکارگرفته شود، مربوط به استانهای مرزی و اقلیت های مذهبی و ملی است که رژیم فقهانی می تواند به بهانه های واهی فعالین فرهنگی، سیاسی و مذهبی در این استانها را مورد آزار و دستگیری قرار دهد تا قدرت انسجام و طرح مطالبات را از آنها بگیرد. عمده ترین بحران در استانهای مرزی به بیکاری، فقر، حاشیه نشینی، خشکسالی و.... دیگر موارد اینچنینی مربوط است که بدنبال خود، قاچاق انسان، کالا یا مواد مخدر و غیره را به همراه دارد. فرضاً طی چهاردهه در استان سیستان و بلوچستان برنامه اقتصادی روشنی وجود نداشته (گرچه در بیشتر مناطق کشور با این وضعیت مواجه بوده ایم!) این منطقه که به وسعت خاک کشور آلمان می باشد بیش از دو دهه است که از کمبود آب رنج می برد و کشاورزی و دامداری در این منطقه مرده است. این استان فاقد شهرکهای صنعتی، مراکز مرزی اقتصادی و... می باشد. طبق آمارها نسبت حاشیه نشینی در استان بیش از جمعیت شهرنشین آن است (۶۰ به ۴۰).

در جمع بندی از خلاصه وضعیتی که به آن اشاره شد، ثابت ترین و مداوم ترین کنشی را می توانیم رسم کنیم، استفاده از ابزار سرکوب و خشونت است که حاکمیت ایران با این روش طی چهاردهه به تمامی مطالبات کوچک و بزرگ مردم ایران در نقاط مختلف پاسخ داده است! افزایش حرکت های مسلحانه که بواسطه بخشی از کنش گران اجتماعی در مرزهای کشور دیده می شود، نتیجه همان سرکوب ها و بسته بودن منتهای قانونی است که این نیروها را به آخر خط رسانده تا آنان دست به خودکشی بزنند. آنچه که می تواند به شدت و حدت این تقابل کمک کند کاهش فعالیت های صنفی، فرهنگی و سیاسی می باشد. که با توجه به ماهیت و عملکرد رژیم فقهانی ایران ترسیم این چشم انداز وجود دارد. آنچه که حاکمیت ایران در چهارسال آینده از عهده آن عاجز می باشد، حل تضادهای ساختاری در حوزه های اقتصادی، فرهنگی و سیاسی است خصوصاً با تداوم تحریم ها و وجود دولتی همچون ترامپ! بنابراین سرکوب و کاهش مبارزات قانونی صنفی، سیاسی و فرهنگی، تداوم تحریمهائی که کمک به ادامه این روند می کند و تشدید ماشین سرکوب حاکمیت می توانند از عوامل مهمی باشند که تضادهای اجتماعی را در سالهای آینده وارد مرحله تازه کند. مرحله ای که شاید دیگر از فعالیت های مدنی و صنفی کنونی خبری نباشد.

معلمان**لزوم پیگیری مطالبات صنفی معلمان توسط تشکل‌های مستقل؛ منتقدان «حاشیه امن» داشته باشند**

رضا مسلمی، فعال صنفی معلمان با اشاره به اظهارات مدیر کل آموزش و پرورش استان همدان مبنی بر آزادی عمل تشکل‌های معلمان و توضیحاتی که در این ارتباط در گفت‌وگو با یک رسانه محلی مطرح کرده است، گفت: این اظهارات نشان دهنده این است که اطلاعات ایشان نسبت به تشکل‌هایی که در مجموعه آموزش و پرورش استان فعالیت می‌کنند، چندان دقیق نیست. اگر از معلمان توقع داریم که در سیستم آموزشی کشور مشارکت داشته باشند و با بهرهمندی از رضایت شغلی بتوانند نقش بسزایی در افزایش سطح کیفی آموزش داشته باشند، باید برای فعالیت آزادانه و بدون مانع تشکل‌های مستقل، بسترسازی شود و در مسیر فعالیت آنها، سنگ‌اندازی نشود.

مدیرکل آموزش و پرورش استان همدان در مصاحبه خود گفته بود «در دولت یازدهم با هیچ معلمی به دلیل فعالیت سیاسی برخورد نشده است، مگر نهاد دیگری آنها را احضار کرده باشد اما ما شکایتی نکردیم» که در این رابطه مسلمی توضیح داد: هر چند که در مصاحبه تان «نهاد های دیگر» را در این بازداشت ها و احضار ها مقصر قلمداد کرده اید، اما فراموش نفرمایید که وظیفه اداره کل حراست آموزش و پرورش، حراست و حمایت از فرهنگیان است و توقع ما از وزارتخانه آموزش و پرورش در دولت دوازدهم، توجه بیشتر به این حراست و حمایت است. بایستی منتقدان سیاست‌های دولت که در قالب تشکل‌های قانونی فعالیت می‌کنند، حاشیه امنیتی داشته باشند؛ تنها در این صورت است که مطالبه‌گری در جامعه رونق می‌گیرد و مسیر رشد و ترقی هموار می‌شود.

محسن عمرانی را آزاد کنید

بیانیه جمعی از معلمان عدالتخواه ایران در حمایت از محسن عمرانی معلم دربند؛ محسن عمرانی معلم بوشهری به خاطر فعالیت های صنفی و آموزشی به یک سال زندان محکوم شده است و از ۱۳ اردیبهشت ۹۶ در زندان بوشهر است. او یک فعال صنفی، معلمی دردمند و عدالتخواه است. آقای عمرانی با طرح اتهامات واهی در دادگاه

بدوی به شش سال حبس محکوم شد که با پیگیری وکلای پرونده آقای تاج و آقای ریسی در دادگاه تجدید نظر حکم وی به یک سال حبس تعزیری و دو سال انفصال از خدمت کاهش یافت. ما به عنوان جمعی از معلمان عدالتخواه به محکومیت قضایی فعالان صنفی و مدنی معترضیم. ما باور داریم نگاه امنیتی باید از روی فعالیت های صنفی برداشته شود و تشکل یابی مستقل به رسمیت شناخته شود و در همین راستا محسن عمرانی بدون قید و شرط آزاد گردد. در همین جا از پیگیری وکلای پرونده و نگاه انسانی و حقوق بشری و تلاش های بدون چشمداشت آنان تشکر و قدردانی می کنیم؛ و از کانون های صنفی معلمان و شورای هماهنگی تشکل های صنفی معلمان می خواهیم بدون مصلحت اندیشی از حقوق فعالان صنفی دفاع نمایند. از نظر ما هر معلمی که برای بهبود ساختار آموزشی و وضعیت معیشت معلمان تلاش می کند باید مورد حمایت همه جانبه تشکل ها و فعالان صنفی قرار گیرد؛ به خصوص معلمانی که در شهرستان ها از ناحیه حراست ها و نهادهای امنیتی مورد تعقیب و آزار و اذیت مضاعف قرار می گیرند.

ما امضاکنندگان این بیانیه به عنوان جمعی از فعالان صنفی اعلام می کنیم زندانی کردن امثال محسن عمرانی در اراده ی ما در پیگیری مطالبات صنفی و آموزشی ما خللی ایجاد نخواهد کرد و ما بیش از پیش بر یک زندگی شرافتمندانه برای همه از جمله معلمان و همچنین آموزش باکیفیت و برابر و فارغ از مناسبات پولی تاکید داریم و در این مسیر از تمام ظرفیت های مدنی و قانونی و برحق خود برای تحقق مطالبات و برداشته شدن نگاه امنیتی از فعالیت صنفی و آزادی معلمان دربند به خصوص همکار دربندمان، محسن عمرانی استفاده خواهیم کرد.

بیست سال گذشت ... به فکر تشکیل جامعه مدنی باشیم

... یکی از موضوعات مهم و قابل تامل در تشکل های معلمان که ممکن است حتی ماموریت ، فلسفه و کارکرد یک تشکل را با چالش اساسی رو به رو کند مساله « تعارض در نقش ها » است. در حوزه آموزش و پرورش نهادهای مدنی اکثرا برای سهیم شدن در قدرت و برخورداری از « رانت » شکل گرفته اند. آیا فرضا فردی که یک پست ستادی ، اجرایی و یا اداری در حوزه آموزش و پرورش دارد می تواند بدون در نظر گرفتن ملاحظات که پست مربوطه برای او ایجاد می کند به ایفای نقش واقعی تشکل یعنی « نظارت و کنترل » بپردازد. اصولا فلسفه تشکیل تشکل های مدنی در ایران برای سهیم شدن در فرآیند قدرت و نزدیک شدن به منابع قدرت است. در آموزش و پرورش نیز تشکل ها از فلسفه وجودی خویش فاصله گرفته و اکثرا کارشان به لابی گری در قدرت و بهره چینی محدود و منحصر شده است. پدیده تاسف آور آن است که افراد مسئول و صاحب قدرت به جای آن که در برابر نهادهای مدنی پاسخ گو باشند خود بعضا نقش « اپوزیسیون » سیستم را بازی کرده و حتی از دیگران و جامعه طلبکار هم می شوند. مشکل اصلی در جامعه ما، « وارونگی و باژگونی » مفاهیم و تعارض در نقش هایی است که حتی جا به جا شده و فرآیند معکوس را طی کرده اند. بدون تشکیل جامعه مدنی بر پایه مفاهیم درست و جهانی باید همیشه در بیم غلبه پوپولیسم و ظهور لایه تربیت نایافته پنهان جامعه باشیم...

علی پورسلیمان مدیر گروه صدای معلم

بخش هائی از گزارش کمپین فعالین بلوچ در مورد زندانیان سیستان و بلوچستان ایران در سال ۲۰۱۵

... با نگاهی گذرا به آمار و گزارشات رسیده از بلوچستان و مقایسه آنها با گزارشهای سال پیش میتواند گواه این مساله باشد که با غفلت دولت از وعده های خود فضای بیشتری برای نهادهای امنیتی و شبه نظامی باز شد تا با رویه های غیر موجه و غیر قانونی بر فشار به ساکنین این منطقه محروم بیافزایند. صدور و اجرای احکام اعدام، بازداشتهای خودسرانه، نقض حقوق زندانیان، تیراندازیهای منجر به مرگ شهروندان، افزایش نگاه امنیتی در منطقه و افزایش شاخصه های محرومیت و بسیاری موارد دیگر گواه این نگاه تبعیض گرایانه به این منطقه و شهروندان بلوچ میباشد.

به گفته فرماندار زابل در ۲۵ آبان ۹۴ زندان زابل بیش از ۶ برابر ظرفیتش در خود زندانی معتاد جای داده است. همچنین رئیس سازمان زندانها در ۱۳ آبان ۹۴ عنوان نموده است که ۷۰ درصد زندانیان را جرائم مخدر تشکیل می دهند که متاسفانه به دلیل محرومیت بخش قابل توجهی از آنها از این منطقه میباشد. در موردی دیگر شیوع آنفلوآنزا در زندان زاهدان و بی توجهی و عدم رسیدگی پزشکی موجب نگرانی زندانیان و خانواده های آنان شده است. ۵۶ مورد اجرای حکم اعدام و ۷۳ مورد نقض حقوق زندانیان در سال گذشته میتواند از دیگر موارد نگران کننده قلمداد گردد. موارد ذیل بخاطر شرایط خاص منطقه، فضای امنیتی، نبود زیر ساخت های فعالیت های مدنی، نبود گزارشگران و خبرنگاران مستقل و آزاد نمی تواند کلیه موارد باشند.

آمار صدور و اجرای احکام اعدام شهروندان بلوچ در سال ۲۰۱۵ کمی افزایش داشته است. در این سال شاهد صدور ۱۰ حکم و اجرای بیش از ۵۶ حکم اعدام بوده ایم. از این میان بخش عمده ی احکام صادر شده و اجرا شده مربوط به جرایم مواد مخدر بوده است (۴۲ مورد). مشکل مواد مخدر در منطقه بلوچستان سالیان زیادیست که جوانان و شهروندان بیشماری را که از معضل بی کاری و فقر رنج میبرند به دام خود می اندازد و همچنین در سال گذشته شاهد پلمپ و تعطیلی چند مرکز ترک اعتیاد در زاهدان بودیم که دولت می توانست با مدیریت آنها از مشکلات این معضل اجتماعی بکاهد. هر چند بسیاری بر این عقیده اند که نهادهای قدرتمندی مانند سپاه پاسداران به دلیل سود بالای این تجارت در عدم کنترل آن نقش دارند. در مورد اعدام بر اساس جرائم مربوط به مواد مخدر نیز ناصر کاشانی نماینده زاهدان در مجلس شورای اسلامی گفتند: راه حل مبارزه با موادمخدر نه زندان است و نه اعدام.

نبود عدالت یا وجود بیکاری و بی پولی باعث جذب جوانان به سمت داعش است

حاج ماموستا ملا قادر قادری امامجمعه پاوه در خطبه های جمعه گفتند: اقتصاد هم در پیشرفت دین و هم در ایجاد موانع برای دین مؤثر است. دولت ها موظف هستند امنیت را در جامعه برپا کنند تا مردم بتوانند کار و زندگی کنند و عبادت نمایند و نیز باید وضع اقتصادی و معیشت مردم را بهتر کنند در غیر این صورت حکومت و مردم دچار ضرر خواهند شد. همیشه ما به دنبال معلول بوده ایم و زیاد به فکر علت نیستیم و از خود نمی پرسیم آیا جوانی که به سوی داعش می رود علت آن چیست؟ آیا ضعف و فقدان دعوت و تبلیغ دین است یا نبود عدالت یا بیکاری و بی پولی و یا مطالب دیگری است؟

تعلیق فعالیت مجمع فقهی علمای اهل سنت کردستان ایران به دلیل فشار نهاد های امنیتی

بر اساس گزارش های رسیده؛ مجمع فقهی جمعی از علمای اهل سنت کردستان ایران در نشستی مشترک تصمیم به تعلیق فعالیت های خود تا اطلاع ثانوی گرفت. ریاست مجمع فقهی مذکور بر عهده کاک حسن امینی حاکم شرع مردمی کردستان است. در بیانیه این مجمع فقهی منتشر نموده است، دلیل تعلیق فعالیت های آن مجمع، «شرایط حساس سیاسی منطقه و مشکلات و موانع پیش آمده در مسیر فعالیت مجمع» اعلام شده است. در همین ارتباط یک منبع آگاه در استان کردستان گفته است: «فشار وزارت اطلاعات و فضای امنیتی حاکم بر مناطق کردستان» دلیل اصلی تعلیق فعالیت های مجمع فقهی یاد شده می باشد. به گفته این منبع، این تصمیم بعد از آن اتخاذ شده است که نهادهای امنیتی در چند ماه گذشته، بارها اعضای مجمع فقهی مذکور را احضار کرده و آن ها را تحت فشار قرار داده است. طبق این گزارش، در برخی از موارد افراد مجمع فقهی، بازداشت شده اند. فشار نهادهای امنیتی بر مجمع فقهی جمعی از علمای اهل سنت کردستان ایران در حالی است که این مجمع هیچگونه فعالیت سیاسی نداشته و صرفا برای جوابگویی به مسایل فقهی مستحدثه و پیگیری حقوق صنفی علمای اهل سنت و همچنین ارتباط علما و مدارس دینی بر اساس اصول ۱۲ و ۲۶ قانون اساسی تشکیل شده است. گفتنی است که مجمع فقهی یاد شده نزدیک به ۴۰۰ عضو دارد که به گفته منابع آگاه، اکثر اعضای آن به دلیل عضویت در مجمع به نهادهای امنیتی احضار شده اند.»



طبیعت سیستان و بلوچستان

نامه‌ی سرگشاده‌ی اصحاب قلم اهل سنت به وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

جمعی از صاحبان قلم اهل سنت کشور در نامه‌ای سرگشاده به وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، خواستار حذف برچسب «ویژه اهل سنت» و «بر اساس منابع و دیدگاه اهل سنت» از کتاب‌های نویسندگان و مترجمان اهل سنت شدند. در این نامه که به امضای ۱۷۳ تن از نویسندگان، مترجمان و فعالان فرهنگی اهل سنت رسیده است، ضمن انتقاد از اقدام وزارت فرهنگ و ارشاد به خاطر «اجبار» نویسندگان و بنگاه‌های نشر و چاپ برای نوشتن مضمون «ویژه اهل سنت» روی جلد کتاب‌ها، این اقدام «تبعیض‌آمیز»، «منافی ندای وحدت‌طلبانه علما و زعماء» و «مخالف نص صریح قانون اساسی» دانسته شده است. امضاکنندگان این نامه پس از متذکر شدن اصل چهارم [تقویت روح بررسی و تتبع و ابتکار در تمام زمینه‌های علمی، فنی، فرهنگی و اسلامی، از طریق تأسیس مراکز تحقیق و تشویق محققان] و اصل نهم [رفع تبعیضات ناروا و ایجاد امکانات عادلانه، برای همه در تمام زمینه‌های مادی و معنوی] قانون اساسی، درج اصطلاح «ویژه اهل سنت» روی جلد کتاب‌های اهل سنت را «بدون پیش‌زمینه‌ی قانونی» و «مغایر با مفهوم آیات مقدّس قرآنی مبنی بر شنیدن مطالب و تبعیت از بهترین‌ها» عنوان کرده‌اند. در پایان نامه‌ی سرگشاده اصحاب قلم اهل سنت کشور، خطاب به وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی آمده است: «خواهشمند است نسبت به پیگیری و برداشتن این جمله از تارک کتاب‌ها و نفی این اقدام تفرقه‌زای و غیرقانونی و جلوگیری از تداوم آن، اقدامات لازم را اعمال فرمایید.»

امام‌جمعه اهل سنت زاهدان؛ با قانون مجازات «اعدام» در حق معامله‌کنندگان مواد مخدر مخالفم

امام‌جمعه اهل سنت زاهدان مخالفت خودشان را با مجازات «اعدام» به‌خاطر مواد مخدر نیز اعلام و تصریح کردند «بنده با قانون مجازات «اعدام» در حق معامله‌کنندگان مواد مخدر مخالفم، زیرا تجربه ۳۸ ساله‌ی بعد از انقلاب نشان داده است که مجازات «اعدام» نتیجه نداده است». وی تاکید کرد «عواقب «اعدام» برای جامعه بسیار سنگین بوده است. تلفات اعدام موادفروشان برای جامعه از ضایعات فروش مواد مخدر کمتر نبوده است، زیرا بسیاری از خانواده‌ها بی‌سرپرست و فرزندان یتیم و رها شده‌اند. لذا معتقدم قانون مجازات «اعدام» باید تغییر پیدا کند». مولانا عبدالحمید، با اشاره به دو معضل «اعتیاد» و «معامله مواد مخدر» و عواقب خطرناک آنها برای جامعه، «جمع‌آوری تمام معتادان کشور و برنامه‌ریزی گسترده و فراگیر برای ترک آنان» و نیز «ایجاد شغل» را از جمله راه‌های مؤثر در مبارزه با این دو معضل برشمردند.

انتقاد نماینده مردم خاش از دولت در خصوص روند افزایش آمار بیکاری

علی کرد نماینده مردم خاش در مجلس شورای اسلامی در خصوص افزایش آمار بیکاری در کشور اظهار داشت: در استان پهناور سیستان و بلوچستان آمار بیکاران و فاقدین اشتغال بسیار بالا است که در این زمینه از آنجایی که روز به روز به آمار بیکاران با توجه به فارغ التحصیل شدن جوانان افزوده می‌شود دولت تاکنون نتوانسته گام‌هایی در جهت کاهش آمار بیکاری بردارد. از آنجایی که این خطه از کشور طعم فقر و خشکسالی‌های ۱۸ ساله را چشیده و از طرفی هم با توجه به کم‌آبی کشاورزی، باغداری و دامداری نیز از رونق افتاده است دولت نتوانسته تدابیری برای سکونت روستائیان و ماندن آنها در روستا بیاندیشد از همین رو شاهد کوچ روستائیان به شهرها و افزایش حاشیه نشینی در استان هستیم.

گزارش از زندان: شرایط این زندان بسیار اسفناک و نامناسب است!

یکی از زندانیان به نام حسین جهانگشت فرزند یونس فقط به‌خاطر این‌که می‌گفت به من فحش ندهید مورد شکنجه شدید قرار گرفت. اعتراض و حرف زندانیان به گوش کسی نمی‌رسد و سرکوب شدید حکمفرماست. آب را قطع می‌کنند و سیستم سرمایش را روشن نمی‌کنند. زندانیان در گرما هلاک می‌شوند. کمیت و کیفیت غذا در حد صفر است و زندانیان برای رفع سوءتغذیه باید که از جیب خود از فروشگاه خرید کنند. افرادی که پول ندارند انواع بیماری‌های عفونی را می‌گیرند. نوبت دیدار با پزشک عمومی برای هر زندانی ماهی یکبار است و برای درمان بعضی از زندانیان پول مطالبه می‌کنند تا به بیمارستان بیرون زندان اعزام شوند و اگر کسی پول نداشته باشد با خطر مرگ روبه‌روست.

محمد صابر ملک رئیسی زندانی سیاسی بلوچ که هشتمین سال حکم زندان خود را سپری می‌کند. او از زندان مرکزی اردبیل «با کلیه وسائش» به زندان اوین منتقل شد. این زندانی سیاسی پس از سه ماه مورخ ۲۰ تیرماه ۱۳۹۶، از زندان اوین به بند ۷ زندان اردبیل بازگردانده شد. بهانه انتقال محمد صابر ملک رئیسی به زندان اوین، انجام رسیدگی‌های پزشکی جهت درمان بیماری‌های وی عنوان شده است. «آقای ملک رئیسی به بهانه رسیدگی به بیماری‌هایش، به زندان اوین منتقل شده بود، اما علیرغم گذشته سه ماه از این انتقال هیچ نتیجه‌ای حاصل نشد و به زندان اردبیل بازگردانده شد». محمد صابر ملک رئیسی زندانی سیاسی بلوچ که حکم محکومیت حبس ۱۵ ساله خود را بصورت تبعیدی در زندان اردبیل سپری می‌کرد، فروردین ماه سال جاری از این زندان به زندان اوین منتقل شد.

مهمترین آفتی که در طول ۲۰ سال گذشته (عمر ۷۶ ساله)، جنبش دانشجویی ایران را زمین‌گیر کرده است، «استراتژی دنباله‌روی این جنبش از سیاست جناح‌های درونی قدرت حاکم می‌باشد»؛ که البته خود این استراتژی ۲۰ ساله «دنباله‌روی» جنبش دانشجویی ایران از جناح‌های درون حکومت، مولود «رویکرد برون‌گرانه ۷۶ ساله جنبش دانشجویی ایران» می‌باشد؛ که همین رویکرد برون‌گرانه ۷۶ ساله جنبش دانشجویی بستر ساز ظهور «استراتژی دنباله‌روی» جنبش دانشجویی ایران، از احزاب و جریان‌ها و سازمان‌های سیاسی برون از جنبش دانشجویی در ۷۶ سال گذشته شده است؛ که در نهایت خروجی این استراتژی ۷۶ ساله همین دنباله‌روی ۲۰ سال گذشته جنبش دانشجویی ایران از جناح‌های درونی رژیم مطلقه فقهاتی حاکم می‌باشد که علی‌الدوام این دنباله‌روی در دولت دوازدهم شیخ حسن روحانی ادامه دارد.

قابل ذکر است که خود این رویکرد برون‌گرایانه و استراتژی دنباله‌روی جنبش دانشجویی ایران از احزاب و جریان‌های سیاسی و جناح‌های درونی حکومت به علت «بحران ۷۶ ساله تئوریک» در عرصه ایدئولوژی و استراتژی و تاکتیک‌محوری و برنامه‌حداقلی و حداکثری و تبیین وظایف سیاسی جنبش دانشجویی ایران در ۷۶ سال گذشته می‌باشد. چراکه خلاء تئوریک جنبش دانشجویی ایران در این عرصه‌ها باعث گردیده است تا این جنبش نتواند در کادر «سازمان‌گری و تشکیلاتی» خودش را به صورت یک «جنبش، نه یک حزب و سازمان سیاسی» تعریف نماید.

لذا تا زمانی که جنبش دانشجویی ایران نتواند «بحران تئوریک خود را در عرصه استراتژی و ایدئولوژی و تاکتیک‌محوری و برنامه کوتاه‌مدت و درازمدت و تعیین وظایف سیاسی توسط خود نظریه‌پردازان این جنبش حل نماید، رویکرد برون‌گرایانه و دنباله‌روی جنبش دانشجویی از احزاب و جریان‌های سیاسی برون این جنبش و جناح‌های درونی حاکمیت امری محتوم می‌باشد» و همین آفت «استقلال‌سوز» جنبش دانشجویی ایران در طول ۷۶ سال گذشته، باعث گردیده تا این جنبش نتواند جایگاه تاریخی خود را که همان «جایگاه پیشروئی» (نه جایگاه پیشاهنگی و نه جایگاه پیشگامی) می‌باشد، در پیوند با جنبش‌های اردوگاه بزرگ مستضعفین ایران حاصل نماید. چراکه عدم استقلال تشکیلاتی و سازمان‌گرایانه این جنبش، باعث گردیده است تا در چارچوب همان رویکرد برون‌گرایانه و استراتژی دنباله‌روی ۷۶ ساله عمر این جنبش، مثلاً در فرایند اول حرکت خود (که از شهریور ۲۰ تا کودتای ۲۸ مرداد ۳۲ ادامه داشت) این جنبش در این فرایند به صورت شاخه دانشجویی حزب توده و شاخه جوانان جبهه ملی درآمده بود و در شکل بازوی سیاسی حزب توده و جبهه ملی عمل می‌کرد؛ و همین دنباله‌روی‌های جنبش دانشجویی در فرایند اول حرکت خود بود که باعث گردید تا درست در تندپیچ حساس تاریخ ایران، یعنی روز ۲۸ مرداد ۳۲ غایب بزرگ باشد، چراکه تشکیلات حزب توده و جبهه ملی نتوانستند جهت برخورد با کودتای سپاه ۲۸ مرداد ۳۲ برای جنبش دانشجویی تصمیم‌گیری فوری کنند.

البته در فرایند دوم (از ۲۸ مرداد ۳۲ تا ۱۵ خرداد ۴۲) پروسس حیات جنبش دانشجویی ایران، باز به علت عدم آسیب‌شناسی جدی توسط نظریه‌پردازان، گرچه این جنبش در عرصه عمل (به علت سرکوب احزاب و جریان‌های سیاسی توسط رژیم کودتائی و توتالیتر پهلوی) توانست به صورت مستقل وارد میدان مبارزه ضد استبدادی بشود، ولی به صورت نظری، جنبش دانشجویی ایران در فرایند دوم پروسس حیات خود نتوانست «تکلیف خود را با ذهنیت عمومی فرایند اول خود مشخص کند». در نتیجه در طول ده سال فرایند دوم پروسس حیات جنبش دانشجویی ایران، «ذهنیت دو قطبی» (حزب توده و جبهه ملی) بر جنبش دانشجویی ایران حاکم بود؛ و همین دوگانگی و پارادوکس عین و ذهن در فرایند دوم بود که سنتز آن در فرایند سوم پروسس حیات جنبش دانشجویی ایران (که از ۱۵ خرداد ۴۲ تا سال ۵۶ ادامه داشت) به صورت «هیولای جنبش چریک‌گرایی و ارتش خلقی» ظهور پیدا کرد؛ و در فرایند چهارم پروسس حیات جنبش دانشجویی ایران (از سال ۵۶ تا ۲۲ بهمن ۵۷) این رویکرد برون‌گرایانه و استراتژی دنباله‌روی جنبش دانشجویی ایران باعث گردید تا این جنبش به صورت سکوتی جهت کسب قدرت روحانیت تحت هژمونی خمینی درآید.

آنچنانکه این آفت در فرایند پنجم پروسس ۷۶ ساله حیات جنبش دانشجویی ایران (که از ۲۲ بهمن ۵۷ تا بهار ۵۹ و کودتای فرهنگی رژیم مطلقه فقهاتی ادامه داشت) باعث گردید تا باز جنبش دانشجویی ایران به صورت جگر زولیا، در خدمت حکومت و جریان‌های سیاسی چریک‌گرا و ارتش خلقی و تحزب‌گرایانه لنینیستی در سه مؤلفه مذهبی و غیر مذهبی و ملی درآید؛ و در فرایند ششم (که از کودتای فرهنگی بهار ۵۹ تا خرداد ۷۶ ادامه داشت) صورت حساب جنبش دانشجویی کاملاً توسط رژیم مطلقه فقهاتی پاک شد، آنچنانکه دیگر «نه از تاک نشان ماند و نه از تاک نشان». البته در فرایند هفتم پروسس حیات جنبش دانشجویی ایران (که از خرداد ۷۶ الی یومنا هذا ادامه دارد)، آفت رویکرد برون‌گرایانه و استراتژی دنباله‌روی جنبش دانشجویی باعث گردید تا دیگر جنبش دانشجویی ایران «جایگاه اپوزیسیون» گذشته خود را فراموش کند و مبارزه خود را محدود به رقابت جناح‌های درون قدرت بکند. نشر مستضعفین- اقتباس از مقاله علل و دلایل کاهش مطالبات جنبش دانشجویی ایران